



۲۰۱۴/۰۱/۰۶



م، نعیم بارز

خبر «گزینه صفر» بزرگترین دروغ سال ۲۰۱۳ وتوفان تبلیغات علیه رئیس جمهور کرزی!

«پیمان امنیتی - دفاعی» میان دولت افغانستان و ایالات متحده آمریکا که پس از کسب مشوره مثبت لویه جرگه می بایست به امضای رئیس جمهور کرزی می رسید، اما در ختم مجلس آقای کرزی تقریباً به این مفهوم بیان داشت که مردم افغانستان از طریق دو هزار و پنجمصد نفر اعضای لویه جرگه ضرورت و نیت نیک شان را به ایجاد پایگاه های نظامی آمریکا در خاک افغانستان نشان دادند و اینک از همین لحظه به بعد می باید دولت آمریکا حسن نیت خود را نشان دهد که دیگر خانه های مردم را بمباردمان و تلاشی نمی کند و در راه برقراری صلح عملاً گام برمیدارد و اگر در این دو مورد اساسی اطمینان حاصل نشود این سند را امضاء نخواهم کرد.

بی باوری آقای کرزی به جنبه عملی این پیمان دلایل فراوان دارد از جمله با آنکه بر همه معلوم و روشن شده که پایگاه اصلی و میدان های تربیت تروریسم در کشور پاکستان بوده و دولت آن کشور از تروریسم علیه افغانستان حمایت همه جانبه می نماید ولی بارها و سال هاست که روستاهای افغانستان بوسیله طیارات آمریکا بمباردمان گردیده و حریم شخصی افغان ها تلاشی و مردم بی گناه طرف اذیت و آزار و قتل و قتال واقع شده و حتی گاه گاه که قسمت های سرحدی خاک افغانستان از سوی دولت پاکستان مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته متأسفانه نیروهای آمریکائی و بین المللی عکس العمل لازم از خود در دفاع از افغانستان نشان نداده اند.

با این حال مقامات آمریکائی بارها اعلام داشته بودند که باید این پیمان تا آخر سال ۲۰۱۳ که چیزی بیش از یک ماه از آن باقی نمانده به امضای رئیس جمهور کرزی برسد، در غیر آن تمام قوای آمریکا تا اخیر سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک گفته و همه کمک هایش را بروی مردم آن قطع خواهد نمود.

متحدان بین المللی آمریکا نیز تا توانستند در این زمینه رئیس جمهور کرزی را تحت فشار قرار داده و از وی خواستند که هرچه زودتر پیمان مذکور را امضاء نماید، استدلال شان این بود که چون بودجه مصارفاتی سال ۲۰۱۴ در سال ۲۰۱۳ ترتیب و تجویز میگردد بناءً تجدید فرصت در این امر ممکن نیست و می باید کرزی هرچه زودتر و حد اکثر در ظرف یک ماه پیمان را امضاء نماید.

موضع دو طرف که به بن بست کشیده شد، بخشی زیاد رسانه های داخلی و خارجی و هر عنصر آگاه و نا آگاه شتابزده و ناسنجیده کرزی را مورد ملامت قرار داده و تقاضای امضای فوری پیمان را نمودند و دولت آمریکا علاوه از تبلیغات تا آنجا که ممکن بود از فشار های عملی نیز علیه دولت کرزی استفاده نمود که تا هنوز هم صدور اخطارها مبنی بر قطع کامل کمک ها جریان داشته ولی مهمتر از همه این بوده که رئیس جمهور اوپاما اعلام داشت که «اگر کرزی پیمان را امضاء نمی کند وزیر دفاع و یا یکی دیگری از مقامات دولت افغانستان می تواند آنرا امضاء نماید» این سخن خلاف موضع رئیس دولت افغانستان در واقعیت امر چراغ سبزی بود از سوی آمریکا برای کودتا علیه کرزی و الی چگونه ممکن است کسی در سطح رئیس جمهور آمریکا چنین درخواستی را از اعضای دولتی بنماید که رئیس آن دولت به آن موافق نباشد؟

خوشبختانه به رغم تبلیغات تهدید آمیز از داخل و خارج و فشار های خطرناک معلوم شد که اگر در مقطع کنونی از یک سو پای کرزی تا اندازه ای در قدرت محکم گردیده از سوی دیگر با وجود همه اختلافات میان مقامات و نهاد های دولت، اعضای مهم آن به این آگاهی رسیده اند که بخاطر حفظ منافع خود و ثبات کشور حاضر نیستند راه کودتا و جنگ داخلی را در پیش گیرند.

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در ارتباط به موضوع بالا باید دید اساساً اختلاف میان کرزی و دولت امریکا چیست و از چه زمان به عامل عمده در تیرگی روابط دو کشور مبدل شده است؟

رئیس جمهور اوباما از حزب دیموکرات که بعد از جورج بوش به قدرت رسید در مورد عملیات تروریستی در افغانستان و منطقه بجای اینکه دریابد که ریشه های اصلی گروه های تروریستی از کجا آب می خورند و حامیان اصلی آنها کدام دولت ها هستند و فشار لازم را به آن دولت ها وارد آورد اما به اقداماتی متوصل شد که بیش از پیش به رشد و عملیات گروه های مذکور افزود، گرچه در مورد آتش افروزی تروریزم در افغانستان همه می دانستند که حامی اصلی گروه های تروریستی دولت پاکستان و بالاخص سازمان استخبارات نظامی آنکشور است ولی برای آنکه روابط امریکا با دولت انگلستان که حامی اصلی دولت پاکستان بوده خراب نشود از آن چشم پوشیده و ساده انگارانه خواست با عملیات نظامی زمینی و هوایی فعالیت های تروریستی را در خاک افغانستان سرکوب نماید، به این مقصد ستراتیژی جدیدی را در پیش گرفت و علاوه بر نیروهای قبلی سه هزار نیروی تازه نفس به افغانستان فرستاد و انتظار داشت که طی یکی دو سال به نتیجه دلخواه خواهد رسید اما دست آوردش به غیر از قتل اسامه بن لادن چیز دیگری نبود، آنجا از نتیجه بی ثمر بودن ستراتیژی اش بفکر دیگری افتاد یعنی خیال تجزیه افغانستان را نمود چنانکه بعضی سناتور ها دست بکار شده مجالسی با مخالفین کرزی در افغانستان و جا های دیگر برگزار نمودند اما کرزی که به این حرکت ها از خود سخت مخالفت نشان می داد و در نطفه آنها را افشاء و بی اعتبار می نمود، رئیس جمهور اوباما دریافت تا زمانیکه رئیس جمهور کرزی در قدرت باشد چنین برنامه هایش شانس پیروزی نخواهد یافت.

لذا بجای وی داکتر عبدالله عبدالله را که فرد ضعیف النفس، فرصت طلب و دارای برنامه به اصطلاح «فدرالیزم» (خود مختاری محلی) که در واقعیت امر چیزی جز تجزیه طلبی نمی باشد در نظر گرفت و در موقع انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ از وی حمایت نمود، اما کرزی هم آرام ننشست و انتخابات با یک عالم جار و جنجال و غیر شفاف پایان یافت و آقای کرزی در قدرت باقی ماند.

جنگ در افغانستان ادامه یافت و مصارف سالانه بیش از صد میلیارد دلار و تلفات نیروهای امریکائی و بین المللی دولت امریکا را به شکست مواجه نمود، و دولت امریکا برای بیرون رفت از باتلاق جنگ افغانستان راه حل آخر را در این دید که با پرداخت سالانه هفت هشت میلیارد دلار جنگ و خونریزی را کاملاً به دوش دولت و مردم افغانستان بگذارد، و برای اینکه اطمینان حاصل نماید که بار دیگر گروه طالبان بقدرت نخواهد رسید درخواست موجودیت نه پایگاه نظامی را از دولت افغانستان نمود که این پایگاه ها قبلاً ساخته شده بودند.

در مورد پایگاه های نظامی امریکا در خاک افغانستان که نفع هر دو کشور در آن نهفته است جای تردید نیست اما پرسش اصلی مردم افغانستان این خواهد بود که تاچه وقت امریکا بخود حق می دهد که توسط سربازانش به خانه های مردم تجاوز نموده و هرگاه خواسته باشند روستا های افغانستان را بمباردمان نمایند و بالاخره تا چه وقت مردم افغانستان شب و روز خون داده و جان بدهند و در انتظار صلح موهوم بسر برند؟

رئیس جمهور کرزی در برابر قایل شدن نه پایگاه نظامی به دولت امریکا همین دو موضوع را پیش کشیده است اما مخالفانش میگویند کرزی تا زمانی به امضای پیمان مذکور تن نمی دهد که امریکا اطمینان دهد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ افغانستان دخالت نخواهد کرد تا در آن صورت انتخابات به نفع تیم کرزی تمام شود. گیریم که این ادعا درست هم باشد باید پذیرفت که انتخابات یک مسأله داخلی هرکشوری بوده، خوب است که یک رهبر خردمند و دور اندیش به منفعت کشورش زیر بار فشار ها قرار نگیرد و در فضای پر از جار و جنجال دنباله رو توده ها نشود زیرا تصمیمات پوپلیستی شخصیت فردی انسان را خاموش کرده و از فعالیت منطقی و علمی باز میدارد.

پایان